

## بررسی موتیفها و مضامین اشعار فارسی شاعران منطقه ارسباران

مریم بیرامی، مریم محمدزاده\*، رضا آفایاری زاهد

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

خرداد ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۵، صص ۳۴-۱۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6841

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** منطقه ارسباران، در استان آذربایجان شرقی، شاعران متعددی دارد که در شعر آنها چندین موتیف در دوره‌های مختلف تکرار شده است. در این مقاله با هدف معرفی ادبیات این منطقه و نگاهی کلی به جایگاه شعر در آن، موتیفها و مضامین اشعار فارسی شش شاعر آن از دوره بازگشت تا امروز بررسی شده است.

**روش مطالعه:** گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است و روش نگارش مقاله توصیفی - تحلیلی میباشند. جامعه آماری تحقیق شامل اشعار فارسی هفت شاعر منطقه ارسباران ابوالقاسم نباتی، عباس بارز، سالک اهری تبریزی، مرتضی موسوی، امام‌ویردی سامانی، اسماعیل سلطانی و حسین دوستی است.

**یافته‌ها:** از موتیفها و مضامین پر تکرار ادبیات کلاسیک فارسی، مضامین غنایی، عرفانی، اخلاقی، و دینی و از مضامین معاصر مضمون اجتماعی، اشعار وطنی، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در شعر شاعران منطقه آمده است. در شعر غنایی، نگاه سنتی به عشق و معشوق وجود دارد. علاوه بر موتیف عشق، مضامین اندوه، و فخریه تکرار شده است. در شعر عرفانی و اخلاقی، مطابق عرفان عاشقانه، مضامین رندی، قلندری، نقد زهد ریایی، نکوهش دنیا و توصیه به موازین اخلاقی آمده است. در موتیف دین، منقبت ائمه اطهار بویژه منقبت امام علی (ع) شاخصه سبکی یافته است. در شعر اجتماعی، نقد جامعه پهلوی، توصیف خفقان و استبداد، فقر و نابسامانیهای اجتماع آمده است. وصف وطن، ستایش زادگاه، منطقه ارسباران، توصیف انقلاب اسلامی، ستایش امام خمینی (ره)، نکوهش دشمنان، و وصف شهید از اشعار انقلابی این شاعران است.

**نتیجه‌گیری:** در شعر منطقه ارسباران، مضامین کلاسیک و معاصر با موتیفها و مضامین غنایی، دینی، عرفانی، تعلیمی و انقلاب اسلامی تکرار شده است. شاعران ارسباران همگام با تحولات مضمون در شعر معاصر به مضامین نو گراییده‌اند، اما همچنان به موتیفهای شعر کلاسیک توجه دارند.

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱  
تاریخ داوری: ۳۰ خرداد ۱۴۰۱  
تاریخ اصلاح: ۱۵ تیر ۱۴۰۱  
تاریخ پذیرش: ۲۹ مرداد ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

موتیف، مضمون، ارسباران، عشق، دین، عرفان، انقلاب اسلامی.

\* نویسنده مسئول:

[m\\_mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir](mailto:m_mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir)

۴۴۲۳۹۷۸۱ (+۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A look at the motifs and themes of the persian poems of Arasbaran region

M. Beyrami, M. Mohammadzadeh\*, R. Aghayari Zahed

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 May 2022  
 Reviewed: 20 June 2022  
 Revised: 6 July 2022  
 Accepted: 20 August 2022

KEYWORDS

motif, theme, Arasbaran, love, religion, mysticism, Islamic revolution.

\*Corresponding Author

[✉ m\\_mohammadzadeh@iauh-ar.ac.ir](mailto:m_mohammadzadeh@iauh-ar.ac.ir)  
 ☎ (+98 41) 44239781

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Arasbaran region, in East Azarbaijan province, has many poets in whose poetry several motifs are repeated in different periods. In this article, with the aim of introducing the literature of this region and a general look at the place of poetry in it, the motifs and themes of the Persian poems of six of its poets from the return period until today have been examined.

**METHODOLOGY:** The collection of information has been done by the library method and the method of writing the article is descriptive-analytical. The statistical community of the research includes the Persian poems of seven poets of Arasbaran region, Abolqasem Nabati, Abbas Barez, Salek Ahari Tabrizi, Morteza Mousavi, Imam Virdi Samani, Ismail Soltani and Hossein Doosti.

**FINDINGS:** Lyrical, mystical, moral, and religious themes are among the motifs and themes of classical Persian literature, and social themes, patriotic poems, Islamic revolution, and holy defense are among the contemporary themes in the poetry of the poets of the region. In lyric poetry, there is a traditional view of love and the beloved. In addition to the motif of love, themes of sadness and pride are repeated. In the mystical and moral poetry, according to romantic mysticism, there are themes of Randy, Qalandari, criticism of hypocritical asceticism, condemnation of the world and advice on moral standards. In the motif of religion, the moqbat of the pure Imams, especially the manqebat of Imam Ali has found a stylistic feature. In social poetry, there is a criticism of the Pahlavi society, a description of oppression and tyranny, poverty and social disorder. The description of the homeland, the praise of the birthplace, the region of Arasbaran, the description of the Islamic revolution, the praise of Imam Khomeini (RA), the condemnation of the enemies, and the description of the martyr are some of the revolutionary poems of these poets.

**CONCLUSION:** In the poetry of Arasbaran region, classical and contemporary themes are repeated with lyrical, religious, mystical, educational and Islamic revolution motifs and themes. Arasbaran poets have turned to new themes along with the changes in themes in contemporary poetry, but they still pay attention to the motifs of classical poetry.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6841](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6841)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 <b>17</b>	 <b>1</b>	 <b>0</b>

## مقدمه

از مقوله‌های مهم بررسی آثار ادبی در حوزه درونمایه‌شناسی، بحث «موتیف» (بنمایه) و «مضمون» (محتوی) است. «در مطالعات نقد ادبی امروز، موتیف و کارکرد آن یکی از سرفصلهای مهم در بررسی آثار و سیر اندیشه صاحب اثر، تحلیل سطح محتوایی اثر، دریافت رابطه فرم و محتوا و بررسی کیفیت این رابطه است» (تقوی و دهقان، ۱۳۸۸: ۸). در تعریف کلی «بنمایه یا موتیف (موتیو)، در ادبیات عبارت است از درونمایه، تصویر خیال، اندیشه، عمل، موضوع، وضعیت و موقعیت، صحنه، فضا و رنگ یا کلمه و عبارتی که در اثر ادبی واحد یا آثار ادبی مختلف تکرار میشود» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۴۲). درونمایه نیز «شخصیت یا الگوی معینی است که بصورت گوناگون در ادبیات و هنر تکرار میشود» (داد، ۱۳۸۵: ۸۶). بنابراین مشخصه اصلی آنها «تکرار» یک موضوع در آثار ادبی است. «در بحث از ویژگیهای بنمایه تقریباً تمامی تعاریف به صفت تکرار شونده این عنصر اشاره کرده‌اند» (پارسانسب، ۱۳۸۸: ۱۶). در تفکیک موضوع، درونمایه و موتیف ذکر این نکته کافی است که مثلاً «عشق، مرگ، حیات، نفرت، دوستی، تنهایی، سقوط، انحراف، هدایت، پوچی و... موضوع هستند؛ مفاهیمی مطلق که چون در لباس اندیشه و فرهنگی خاص در هر اثر ادبی جلوه کنند، درونمایه خوانده میشوند. «مرگ» در حالت اطلاق موضوع است: اما «مرگ تنها چاره‌رهایی است»، «مرگ پایان نیست»، «همه باید بمیرند» و... درونمایه هستند. موضوعات پیش از خلق اثر وجود دارند، ولی درونمایه‌ها در جریان خلق اثر پدیدار میشوند» (تقوی و دهقان، ۱۳۸۸: ۱۴).

ادبیات فارسی سرشار از موتیفها و مضمونهایی است که در موضوعهای مختلف در طول قرن‌ها تکرار شده‌اند و در هر دوره نیز طبق تحولات دوره، موتیف و مضمونی تازه وارد آن شده است و برخی موتیفها و مضامین از دور خارج شده‌اند. گاه دیده میشود منطقه خاص جغرافیایی موتیف و مضمون ویژه‌ای دارد که در شعر شاعران آن تکرار شده است. در این مقاله با هدف بررسی آثار ادبی فارسی در آذربایجان ایران، معرفی منطقه ارسباران و شاعران این منطقه، سعی بر این شده است که سروده‌های شاعران این منطقه از نظر موتیف و مضمون بررسی شود.

## سابقه پژوهش

موتیفها و مضامین برجسته شعر شاعران منطقه ارسباران تا کنون بطور جدی مورد پژوهش قرار نگرفته و انجام تحقیقی جامع در این خصوص ضروری است. پژوهشهای انجام‌شده، صرفاً معرفی شاعران در قالب تذکره، معرفی مشاهیر و بررسی کلی تاریخ ادبیات آذربایجان است. از جمله میتوان به کتاب «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش (نگاهی به تاریخ ادبیات آذربایجان)» از جواد هئیت (۱۳۵۸)، کتاب «تاریخ ادبیات آذربایجان» اثر محمدرضا باغبان کریمی (۱۳۸۴) و کتاب «برگی از بوستان ادب» نوشته سارا قلیپور (۱۳۹۲) اشاره کرد. در این کتابها، اشعار شاعران بررسی نشده است. در مواردی موضوع ویژه‌ای در قالب کتاب جمع‌آوری شده است، مانند کتاب «ادبیات مرثیه در منطقه ارسباران» نوشته حسین دوستی (۱۳۹۴) که شعر آیینی شاعران منطقه را جمع‌آوری کرده است. در موضوعهای دیگر، کتابی چاپ نشده است.

از شاعران مورد تحقیق مقاله، فقط در مورد حکیم ابوالقاسم نباتی، پیشینه مشخصی وجود دارد، سرتیبی (۱۳۹۵) در مقاله «تأثیر حافظ شیرازی بر حکیم سیدابوالقاسم نباتی اوشتیبینی» شعر نباتی را در تأثیرپذیری از حافظ بررسی کرده است. پایان‌نامه «نقد و تحلیل اشعار و آثار حکیم سیدابوالقاسم نباتی» در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه ارومیه دفاع شده است. پایان‌نامه «سبک‌شناسی اشعار فارسی نباتی» در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه پیام نور میان‌دوآب دفاع شده است. پایان‌نامه «بررسی اندیشه‌های عرفانی ابوالقاسم نباتی» در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه تبریز دفاع شده

است. در مورد عباس بارز نیز، حسین دوستی در کتاب «استاد بارز شاعر ملی ایران» اشعار ترکی و فارسی وی را بررسی کرده است. دیگر شاعران صرفاً در حد معرفی در کتابها هستند و تحقیقی جامع که در صدد شناساندن ادبیات منطقه ارسباران با تکیه بر شعر این شاعران باشد، انجام نشده است و پژوهش حاضر با این هدف نوشته شده است.

## بحث و بررسی

### ارسباران و شاعران ارسباران

ارسباران نام منطقه‌ای کوهستانی در شمال آذربایجان شرقی است. عنوان قدیمی آن قره‌داغ بوده است و «در کتابهای تاریخی و جغرافیایی از ارسباران به قره‌داغ و قراجه‌داغ یاد شده و این نام بجهت کوههای بلند و سیاه‌رنگ آن است» (عباس‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۵-۱۶). «منطقه ارسباران که در کتب تاریخی و جغرافیایی به نام قراجه‌داغ-قره‌داغ هم معروف است، ناحیه‌ای است در شمال شرق استان آذربایجان شرقی که شهرهای اهر، کلیبر، هریس، وُرزقان، خداآفرین و هوراند را شامل میشود که تا چند سال پیش محدوده جغرافیایی این منطقه گسترده‌تر از امروز بوده و همه سرزمینهای کناره رود ارس و نواحی متعددی تا نزدیکیهای تبریز، مرند، مشکین‌شهر و شبستر را شامل میشده است» (دوستی، ۱۳۹۴: ۲۱). عنوان قره‌داغ را تا دهه چهل داشت، اما بعد از آن با محوریت رود ارس، نامش به ارسباران تغییر یافت. «نام قره‌داغ بطور رسمی در سال ۱۳۳۷ به ارسباران تغییر یافت، چراکه رود ارس، اراضی وسیعی از ارسباران را حیات بخشیده است» (عباس‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۶) بزرگترین شهر آن «اهر» است. «در آبان ماه همین سال اهر بعنوان شهرستان سوم آذربایجان شرقی شد و ارسباران نام گرفت» (همان: ۲۱).

شاعران بسیاری در این منطقه زندگی کرده‌اند و در حال حاضر نیز فعالیت شاعران قدیمی و جوان ادامه دارد، با وجود این شاعران، میتوان بدون تردید گفت این منطقه همیشه شاعرخیز بوده است. در چند کتاب، از جمله کتاب «برگی از بوستان ادب» از سارا قلی‌پور تعدادی از این شاعران معرفی شدند و چند شعر آنها آمده است یا در کتاب «قارداغ اولدوزلاری» از امام‌ویردی سامانی تعداد ۱۰۱ شاعر منطقه معرفی شده است. از ترکیب «شاعران ارسباران» در این مقاله، مقصود شاعرانی هستند که مکان زندگی آنها این منطقه بوده و در محدوده جغرافیایی اهر، کلیبر، هریس و ورزقان زیسته‌اند. اینان به دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی شعر سروده‌اند. همچنین ملمع-گویی نیز در اشعار آنها وجود دارد. از قالب کلاسیک و شعر نو استفاده کرده‌اند، اما اغلب به شعر کلاسیک رغبت نشان داده‌اند. در این تحقیق صرفاً اشعار فارسی این سخنسرایان مورد بررسی قرار گرفته و در موارد خاص به اشعار ترکی آنها ارجاع داده شده است. رسالت پژوهش حاضر معرفی موتیفها و مضامینی است که از دوره بازگشت تا امروز در کلیت شعری شاعران این منطقه دیده میشود؛ اما در ارجاعات مقاله از شعر هفت شاعر استفاده شده است که عبارتند از:

- ۱- حکیم ابوالقاسم نباتی (۱۱۹۱-۱۲۶۲ جلفا)، وی از شاعران دوره بازگشت است که به تقلید از سبک عراقی شعر سروده است. از وی یک دیوان شعر به زبان فارسی و ترکی باقی مانده است.
- ۲- سیدمرتضی موسوی (۱۳۲۱-۱۳۵۴ هجری): وی از شاعران معاصر است و به شیوه کلاسیک و نو شعر سروده است، اما در شعر نو موفقتر است. تنها مجموعه شعر «سوتک» از وی باقی مانده است.

۳- عباس اسلامی متخلص به بارز (۱۳۰۰-۱۳۹۰ هجر): اهمیت شاعری وی در اشعار ترکی است و چند مجموعه شعر ترکی دارد. اشعار فارسی در مجموعه‌ای مجزا چاپ نشده است و در این مقاله اشعار وی به کتاب «استاد بارز، شاعر ملی ایران» به قلم حسین دوستی ارجاع داده میشود.

۴- سالک اهری تبریزی متخلص به سالک (۱۲۷۱-۱۳۵۸ هجر): اشعار وی در کتابی به همین نام توسط رضا همراز گردآوری شده است.

۵- امام‌ویردی سامانی متخلص به ایمان (۱۳۲۵ کلیبر): دیوان ترکی وی با عنوان «سامان دیوانی» چاپ شده است، اما مجموعه شعر فارسی مشخصی از او چاپ نشده است. در این مقاله اشعارش به کتاب «شعر اوجاقی» که خودش گردآوری کرده، ارجاع داده میشود.

۶- اسماعیل سلطانی متخلص به خاقان (۱۳۳۵ هجر): وی اشعار فارسی و ترکی دارد و اشعار فارسی در مجموعه «شرح هجران» چاپ شده است.

۷- حسین دوستی (۱۳۳۸ هجر): وی از پژوهشگران ادبیات ارسباران است و نقش مؤثری در شناساندن ادبیات این منطقه دارد. در کنار پژوهش، شعر نیز سروده است و اشعارش را در کتاب «معمای عشق» چاپ نموده است.

### موتیفها و مضامین غنایی

شعر غنایی یکی از موتیفهای اصلی ادبیات است که شعر فارسی با آن شکل گرفته است. گستره شعر غنایی بسیار وسیع است و مضامین متعددی را دربر دارد. در کلیت «شعر غنایی به شعری گفته میشود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر باشد» (رزمجو، ۱۳۷۰: ۶۴). به گفته شفیع کدکنی «شعر غنایی، شعری است که حاصل لبریزی احساسات شخصی است و محور آن «من» شاعر است و سراینده در آن نقش پذیرنده و متأثر دارد نه تأثیربخش و مؤثر» (شفیع کدکنی، ۱۳۷۲: ۶). اگر با دو واژه احساس و شخصی بودن به شعر ارسباران بنگریم، احساسات شخصی آنها در وصف مفاهیم بنیادی ادبیات مشهود است و تمامی آنها در گروه شاعران غنایی قرار میگیرند. جوهر اصلی شعر غنایی عشق است و هیچ دوره‌ای را در ادبیات ایران و حتی جهان نمیتوان یافت که مضمون عشق در آن نباشد. ۳۰ درصد موتیف شاعران ارسباران در این موضوع است. در دیوان تمامی آنها این موتیف دیده میشود، اما در شعر سلطانی و موسوی، موتیف اصلی است. نباتی نیز با نگرش عرفانی، عشق را توصیف کرده است. بعد از آنها عشق در شعر اهری تبریزی برجسته است. ایشان به مضمون عشق، نگاه سنتی دارند و همانند شعر کلاسیک به عشق، معشوق و مفاهیم آن نگریسته‌اند. معشوق زیباروی جفاکار با همان ویژگیهای معشوق کلاسیک است و عاشق در حسرت وصالش سوخته و غم فراق دارد. حتی در تازه‌ترین اشعار که در همین سالهای اخیر سروده شده، چنین است.

سلطانی با شخصیت‌بخشی به واژه عشق، گفته است عشق فرمانده اوست.

این سخن آمد ز نای جان من	عشق من فرمانده و خاقان من
عشق اگر وابسته تدبیر شد	پس جهان عاشقان تحقیر شد

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۲۰).

سلطانی اشعار «پروین» (سلطانی، ۱۳۸۰: ۱۷)، «مثنوی» (همان: ۱۹)، «سفر» (همان: ۲۷)، «بشارت» (همان: ۲۵)، و «محت عشق» (همان: ۲۱) را در وصف معشوق جفاکار سروده است؛ اهری تبریزی از جفاکاری معشوق ناراحت نیست و آن را بعنوان رسم ایشان پذیرفته است.

سالک از کجروی یار جفاجوی منال غالباً شیوه‌ی خوبان پریوش این است  
(اهری تبریزی، ۱۳۹۸: ۲۵)

یا بیت زیر:

نرنجم با منت گر نیست میل هم‌رهی کردن بود رسم بتان، دل بردن و پهلو تهی کردن  
(همان: ۱۱۶)

«فراق» موتیف دیگر مربوط به عشق در شعر آنهاست. موسوی با آوردن اضافه‌ی تشبیهی «خار فراق»، فراق را همچون خار میبیند:

خلید خار فراق به پای من ای دوست وصال ار ندهد دست، وای من ای دوست  
(موسوی، ۱۳۶۵: ۲۰)

سلطانی به مضمون تکراری ناله‌ی بلبل از فراق گل اشاره کرده است:

بلبلی ناله همی کرد ز دستان فراق که ز هجران گلم بیخیر افتادم طاق  
(سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۳)

سالک اهری تبریزی از معشوق تمنا دارد که ره وفا پیش گیرد و دل نشکند:

چه خوش است پیش گیری صنما ره وفا را بکنی کمی تفقد، فقرای بینوا را  
گرت است دین و دانش ورت است داد و نصف مشکن دل کسی را به میان بین خدا را  
(اهری تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۳)

بعد از عشق، اندوه‌های شخصی و جمعی، در اشعار دیده میشود. میتوان گفت در منطقه‌ی ارسباران شاعران عموماً به شادی کمتر گراییده‌اند. نامیدترین شاعر، موسوی است که سرانجام زندگی ساده و دردکشیده‌اش را با خودکشی به پایان رسانده است، وی در دوران قبل از انقلاب منتقد حکومت بود و در زندانهای ساواک شکنجه شد و ناملایمات زندگی شخصی نیز بر غم‌هایش افزود و عاقبت با دست خود به هستیش پایان بخشید. «او فرزند رنج و حرمان بود و به هر قطعه‌ی شعرش اگر امعان نظر گردد، دریایی از نومی‌دی و حرمان و دنیایی از شکایت دوران میتوان دید» (موسوی، ۱۳۶۵: ۳). مهمترین دلیل ناامیدی وی، اندوه زندگی شخصی و مشاهده‌ی رنج مردم بوده است. به گفته‌ی خودش «از درد و غصه، ریشه‌ی هر آرزو فسرد» (همان: ۱۴).

در ابیات زیر با کمک تشبیه، در باغ دل خود، شاخه‌ی درخت امیدش را پژمرده میبیند. به عبارتی امید خود را از دست‌رفته توصیف کرده است:

پژمرد شاخه‌های امیدم به باغ دل خاموش گشت شمع امید و چراغ دل  
باد خزان وزید به گلزار هستی‌ام کس را نداشتم که بگیرد سراغ دل  
(همانجا)

نمونه‌ی اندوه جمعی، توجه به زلزله‌ی ۲۱ مرداد ۱۳۹۱ و زلزله‌ی ارسباران است که اغلب شاعران منطقه درمورد آن شعر گفته‌اند. این اشعار در کتاب «پس‌مویه‌های زلزله‌ی ارسباران» توسط ابوالفضل قاسم‌بگلو و حسین دوستی جمع‌آوری شده است که ۹۱ شاعر در سوگ قربانیان و بازماندگان زلزله مرثیه سروده‌اند. این مجموعه به زبان ترکی و فارسی است. در ادامه بخشی از شعر «قرن‌گون - قره‌خبر» (روز سیاه، خبر سیاه) از حسین دوستی که جزو جامعه‌ی آماری مقاله است، آورده میشود.

«قاراداغیم باتدی قانا، تورپاقی آندا قالدی آتا، یارالاری گلمز سانا، قارا گئیدی ارسبایم، تالان اولدی روزگاریم، دووار

آتا آتام قالدی، داشلار آتا بالام قالدی، اوره ک دولی یارام قالدی، قان آغلابیر بوگون گوزوم، غم غصه دور بوتون سؤزوم...» (دوستی، ۱۳۹۳: ۸۶).

ترجمه: قرا داغ به خون نشست، پدر زیر خاک ماند، زخمهایش به شمارش نمی آید، ارسبارم سیاه پوشید، روزگارم به تاراج رفت، پدرم زیر دیوار ماند، بچهم زیر سنگها ماند، یک دل پر زخم ماند، این روزها چشمانم خون گریه میکند و تمام حرفهایم غم و غصه است.

اشعار تقدیمی، ستایش و نکوهش افراد، مضمون دیگر غنایی موجود در شاعران منطقه است. برای نمونه ستایش پدر و مادر و معلم انتخاب شده است. وصف مادر در ادبیات این منطقه جایگاه ویژه دارد. موسوی در وصف مادر گفته است:

از هر دو جهان عزیز و بهتر  
مادر بُود و جز او نه دیگر  
(موسوی، ۱۳۶۵: ۳۷)

سلطانی شعر «مادر» را در وصف عظمت مادر در خانواده و تربیت فرزندان سروده است و به او عنوان «شیرازه خانواده» داده است که شیران (استعاره از فرزندان شجاع و قوی) را بزرگ میکند.

ای مادر رنج دیده بسیار  
شیرازه خانه مردپیکار  
از شیر تو ای بسا که شیران  
سلطان شده اند و بارسالار  
(همان: ۲۸)

و در پایان با مبالغه گفته است:

در شأن تو خامه هاست قاصر  
در وصف تو نامه هاست بسیار  
(همانجا)

در سوگ پدرش در شعر «پدر» او را زندگی میداند:

بی تو چون زندگی توانم کرد  
این تو بودی که زندگی بودی  
(سلطانی، ۱۳۸۰: ۵۶)

موسوی در وصف معلم با کاربرد آرایه تشبیه، گفته است او با کلامش پرده های جهل را میشکافد، بیانش زلالی آب است که اندیشه را رشد میدهد و تصویر وی را با میخ عاطفه در ذهنش نشانده است:

«شمشیر کلامت/ فاخر و پرحشمت/ پرده های جهل را میشکافد/ و زلال بیانت/ که آب حیات را تداعی میکند/ آهوان اندیشه را/ به استقسا و امیدارد/ همیشه سیراب و همیشه تشنه/ تصویرت را/ ای مرد دانا/ و ای معلم بزرگ/ با گل میخ عاطفه/ در تمامی حجره های انسانی مغزم/ نشانده ام» (موسوی، ۱۳۶۵: ۱۰).

موتیف آخر فخریه است که در شعر غنایی ارسباران نمونه دارد. شاعران طبق سنت شعری، شعر خود را ستوده اند و به شاعری خود فخر کرده اند. نباتی در رباعی زیر، قلم خود را با قلم مانی نقاش، مقایسه کرده است و بر طبع گهربارش آفرین گفته و آن را مطبوعتر از روی معشوق فریبنده (جماش) توصیف کرده است.

این رشحه کلک مانی نقاش است  
یا قطعه مشق عاشق قلّاش است  
بر طبع گهربار نباتی احسن  
مطبوعتر از روی بت جمّاش است  
(نباتی، ۱۳۹۲: ۴۹)

در بیت زیر معتقد است از شعر دلغریب او نه این جهان، بلکه آسمان نیز ارزشمند شده است:

از شعر دلفریب نباتی نه این جهان      نه گنبد سپهر برین زیب و شأن گرفت  
(همان: ۱۲۹)

امام‌وپردی سامانی که تخلص ایمان دارد، در اغلب اشعار در بیت‌های آخر، شعر خودش را ستوده است. در پایان شعر «شهید» که وصف شهدا می‌باشد، گفته است:

جهان تا هست پاینده، گذشته حال و آینده      هم از ایمان فزاینده، درون دل مکان دارد  
(سامانی، ۱۳۹۳: ۴۲)

سلطانی با تخلص خاقان، در فخر شاعریش گفته است تا محشر شعر او ماندگار است.

خنیانگر	عشق	مینوازد	من	چامه	همی	سرایم	از	بر
تلواسه	ساستری	خاقان	بر	ناسره	است	تا	به	محشر

(سلطانی، ۱۳۸۰: ۱۲)

### مضامین دینی و منقبت ائمه

این مضمون، طبق بررسی اشعار شاعران منطقه، بیشترین فراوانی را دارد و ۶۰ درصد شعر ارسباران را تشکیل می‌دهد. «از نظر مذهب، تشیع تنها مذهب پذیرفته‌شده در ارسباران است» (عباس‌زاده، ۱۳۷۵: ۹۱). مردم منطقه با اعتقادی خالصانه به منقبت ائمه معصومین پرداخته‌اند و اشعار متعددی به زبان فارسی و ترکی چاپ شده است. در شعر ترکی، مرثیه‌سرایی برای امام حسین (ع) بعنوان «نوحه ترکی» زبانزد است، اما در اشعار فارسی موضوعات دینی مانند توحید، حمد الهی، نماز، روزه و فرائض دینی آمده است. شاخصترین موتیف منقبت ائمه است. غیر از موسوی، دیگر شاعران موردتحقیق، در این موضوع شعر دارند. در میان ائمه، ارادت به امام علی (ع) جایگاه ویژه دارد. نباتی اشعار عرفانیش را با منقبت امام علی (ع) پیوند داده است. او عشق به امام علی (ع) را از روز ازل با خود دارد.

از روز ازل علی علی ذکر من است      پیوسته ثنای قدرتش فکر من است  
آن نکته که در ضمیر کس میناید      از همت شاه گفته بکر من است  
(نباتی، ۱۳۹۲: ۵۲)

در میکده به هنگام باده‌نوشی، علی علی میگوید و میدانند با مریدی حضرت به حق خواهد رسید و نجات خواهد یافت.

ایا ساقی جم، شوی شاد و خرم	فدای تو گردم، بیامی بیاور
بده باده چون گل، بخوان همچو بلبل	که کامت شد حاصل، مرادت میسر
علی گو علی گو علی جو علی جو	رسی تا به هو هو از این نام مگذر
علی گو نباتی که یابی نجاتی	تو تا در حیاتی بخوان نامش از بر

(همان: ۲۰۸)

وصف پیامبراکرم (ص) و چهارده معصوم هم جایگاه خود را در شعر وی دارد. برای نمونه در بخش رباعی، بر امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، حضرت ابوالفضل (ع)، امام رضا (ع)، امام زمان (عج) و پیامبر اکرم (ص) صلوات فرستاده است (همان: ۴۳-۴۴).

وصف امام علی (ع) در شعر بارز همانند شعر نباتی، فراوانی دارد. در بیت زیر معتقد است علی مظهر نور الهی و سرچشمه فیوضات پروردگار است:



مظهر نور خدا و مشرق بیضا علیست چشمه فیاض آن دادار بی‌همتا، علیست  
(دوستی، ۱۳۹۷: ۲۷)

در بیت زیر بیان کرده کیش جعفری دارد و پیشوایش امام علی (ع) است.

جعفری کیشم، ندارم پیشوایی جز علی راه حق میپویم و رهبر بود ایمان مرا  
(همان: ۱۰۰)

در شعر «طلوع محمد (ص)» ولادت حضرت را وصف کرده که با آمدنش جهالت را بر کناری نهاد:

خاتم پیامبران چون دیده بر عالم گشود لات و عزی از سریر سروری آمد فرود  
روز روشن تیره شد چون شب به چشم جاهلان پاره شد چون در دل اهل جهالت تار و پود  
گشت طالع مهرسان از مشرق دنیای غیب روی زیبایی که تاب از دست مشتاقان ربود  
(دوستی، ۱۳۹۷: ۲۵)

سامانی در وصف پیامبر اکرم (ص) سروده است:

پیامبر مرسل رب‌الیقین است محمد صدر و ختم المرسلین است...  
امانت‌داریش ورد زبانها امین المرسلین عین الامین است  
مرید و پیروانی بس در عالم ازیرا هادی ضوء الجبین است  
(سامانی، ۱۳۹۳: ۲۵)

و غزل «علی مینای نبی» را در وصف امام علی (ع) سروده است:

گر شناسی تو علی، مرتبش جای نبی است ید یارای علی، مظهر مینای نبی است  
منصبش را ز نبی، فرض برافزا و برین فخر مولایی او خطبه والای نبی است  
مظهر شیعه بود، زر گل ادیان سما شمع ره گر طلبی، دیده مینای نبی است  
(همان: ۲۷)

حسین دوستی از امام علی (ع) مددخواهی میکند:

ای صاحب احسان و عطا، مولی جان ای ملجأ سلطان و گدا، مولی جان  
یاران همگی ملتمس درگاهند لطفی بنما بهر خدا مولی جان  
(دوستی، ۱۴۰۰: ۵۰)

او شعر «خیر مقدم» را در استقبال از خادمان حرم رضوی (همان: ۵۱)، «در مسیر جمکران» (همان: ۵۳) با تقدیم به امام زمان (عج) و شعر «زائر» (همان: ۵۶) را در وصف زائران حج سروده است.

اهری تبریزی توسل به حضرت علی (ع) را توصیه کرده است:

به خدای خود توسل، بر شیعه علی کن بگزین به رهنمایی شه ملک لافتی را  
(اهری تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۴)

در بیت زیر گفته است:

سالک مکن اندیشه تو از کید بداندیش با آل علی داری اگر قول و قراری  
(همان: ۹۴)

در ابیات زیر از امام حسین (ع) پناه میطلبید:

ملجئی جز آستانت ما نداریم ای حسین  
 ای نبی را نور دیده فخر کل کائنات  
 ما محبان تو هستیم ای حبیب کردگار  
 دستگیری کن ز ماها در حدوث نایبات  
 (همان: ۲۰)

افتخار او این است که منتظر حضرت مهدی (عج) است:  
 سالک به یاد مهدی موعود لاجرم  
 عمری به سر ببرد، به آن دارد افتخار  
 (همان: ۴۸)

### مضامین عرفانی و اخلاقی

عرفان از مضامین رایج و گسترده شعر فارسی است و در شعر ارسباران همچنان تا امروز ادامه یافته است. در مقایسه موتیفها، حدود بیست درصد اشعار در این موتیف است. شاعر برجسته این موتیف، نباتی است که بیش از هشتاد درصد اشعارش، عرفانی است. سلطانی و اهری تبریزی بعد از وی به این موتیف توجه نشان داده‌اند. نگرش شاعران به عرفان نیز مطابق عرفان عاشقانه، با موتیف اندیشه قلندری و میخانه‌ای است. نباتی به تأثی از حافظ، پیرو مکتب رندی است. البته بخشی از اشعارش در موضوع خدانشناسی است مانند بحر طویل فارسی که با حمد و ثنای خداوند آغاز کرده و با منقبت پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) تمام کرده است. معشوق الهی، عشق خداوندی، نقد زهد ریایی، عشق به میکده و زیست قلندری، تقابل عشق و عقل، مضامین اصلی وی در عرفان میباشد. در ابیات زیر گفته است دُردنوش رندان و از خراباتیان سرمست بوده و خاک پای مستان است.

ساقیا	جرعه‌ای	کرم	فرما	عاشقم	دردنوش	رندانم
از	خراباتیان	سرمستم	از	می	و جام	رو نگردانم
یافتم	تا نشان	مدهوشان	من	به جا	خاک پای	مستانم
تا زخم	دم ز فقر	و درویشی	پیش	رندان	به خاک	یکسانم
عاشقم	رند و مست	و باده‌پرست	فارغ	از خلد	و حور	و رضوانم

(نباتی، ۱۳۹۲: ۲۴۳)

او در بیت زیر، زهد ریایی زاهد را نقد کرده است:

سبحه و خرّقه به میراث تو ماند زاهد  
 خیز بیهوده مگو، حرف تو اصفا نکنم  
 (همان: ۱۶۷)

اهری تبریزی نیز گرایش به عرفان دارد و همانند نباتی، مضامین رندی و قلندری را آورده است. او در مقابله با تقوا، جام می در دست گرفته و ننگ و نام را زیر پایش گذاشته است.

شیشه تقوا	شکستم تا گرفتم	جام را	زیر پای خود	نهادم جمله	نگ و نام را
مست یاری	تو گشتم جای	تدبیرم	نماند	مبتدایینی	گرفتم همچنان
دردنوشی	خو گرفتم	سرخوشم	با یاد تو	من نمیخواهم	ز ساقی باده گلفام را
خودفروشیهای	زاهد، خودسری	و خرّخری	ست	پوشش تن	باید او را کرد

(اهری تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۵)

در شعر سلطانی نیز عرفان در چند شعر آمده است مانند شعر «پاویدن دل» (سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۲) و «باده ارغوانی» (همان: ۶۰) که در طلب باده است. اشعار «چامه» (همان: ۱۱)، «جستار» (همان: ۱۳)، و «آیینه‌داران عشرت» (همان: ۱۵) مضمون عرفانی دارد و عرفا را وصف کرده است.

در مفاهیم اخلاقی و تعلیمی، اشعار نباتی، سلطانی، اهری تبریزی، و بارز را میتوان اخلاقی نامید؛ اما شعر نباتی برجسته است. وی با اندیشه عرفانی، به نکوهش جهان و دل بستگی به آن پرداخته است و دوری از طمع، ادب داشتن، قناعت کردن و... را توصیه کرده است. او به مخاطب توصیه میکند برای به دست آوردن روزی اندک از انسانهای پست، طلب کمک نکند، چراکه روزی دهنده خداست:

مگشا برای یک دو نان در نزد هر ناکس دهان      رزاق عالم اوست و بس، بشناس باب الله را  
(نباتی، ۱۳۹۲: ۱۰۹)

در ابیات زیر جهان فانی را نکوهش کرده و توصیه به عدم دل بستگی به آن دارد:

این دهر دنی که پنج روزش نام است      دنباله او مرو که بی انجام است  
در خاک نهان از او هزار اسکندر      دیربست که وامانده صد بهرام است  
(همان: ۵۱)

### وطن، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

وصف وطن در شعر وصفی این منطقه شاخصه سبکی دارد. در ادبیات معاصر ایران، در دوره مشروطه، وطن، موتیف اصلی شعر شاعران شد. «وطن خواهی و میهن پرستی صدای اصلی شعر مشروطیت است» (ناصر، ۱۳۸۲: ۳). در این دوره اغلب شاعران در مورد وطن شعر سرودند و بعد از آن گرچه این موتیف کم رنگ شد، اما در شعر معاصر تثبیت گشته بود و در دوره انقلاب اسلامی بار دیگر با مفاهیم مختلفی از مضامین اصلی شد. شاعران ارسباران نیز ارادت به زادگاه خود، منطقه و ایران را در اشعار متعدد به زبان ترکی و فارسی بیان کرده اند. سامانی در شعر «ایرانم»، ایران را با اشاره به قومیت های گوناگون ستوده است.

از آن بر عترتم بالم که از اتباع ایرانم      ز آذربایجان اصل و نماد از ویسه پیرانم  
خلیج فارس، ارس، گیلان، خوزستان، بلوچستان      بلوچ و کرد و لر، گیلک ز هم مرزان شیرانم  
شعارم بودن ایرانی که با ایران فرا بودن      چو با القاب ایرانی برآید از دلیرانم  
(سامانی، ۱۳۹۳: ۳۸)

و در یک بیت زادگاهش را وصف کرده است:

کلیر زادگاهم گر ز جنت بر فرادستی      زده هم زینت ایران ز حد مهمان پذیرانم  
(همان: ۳۸)

و در بیت پایانی گفته است:

خلاصه هر کجا هستم به ایران بسته ایمانم      چو با ایران سرافرازم سراپا وقف ایرانم  
(همانجا)

او در ستایش شخصیت های وطنی و گروه های مختلف، اشعار «خلبانان» (همان: ۴۰)، «پولیس، پلیس» (همان: ۴۱)، «عشایر» (همان: ۴۳)، و «پرستاران» (همان: ۴۶) را سروده است.

حسین دوستی هم مضمون وطن را در اشعار متعدد تکرار کرده است و دو شعر «ارسباران ۱ و ۲» را در وصف ارسباران سروده و آن را فخر آذربایجان نامیده است.

ارسبارانم و فخر جهانم      که من در رأس آذربایجانم  
دیار علم و عرفان و جهادم      اگر پرسی ز من نام و نشانم  
همانم من که بهر حفظ ایران      به عالم شهره شد ستارخانم

من از نسل شهاب‌الدین محمود تشیع را هم او بانی است دانم  
(دوستی، ۱۴۰۰: ۱۳۰)

شعر «اهر» را هم در وصف زادگاهش اهر گفته است:

اهر ای شهر تلاش و حرکت	آب و خاکت همه خیر و برکت
چو شدی بارگه شیخ شهاب	مهبط خیل ملک شد حرمت
باغ فردوس به آن زیبایی	ذره‌ای برده ز کان کرم
عرشیان با همه عشق آوردند	صد طبق گل به نثار قدمت
شاد زی شاد، به اعصار و قرون	دائماً زنده بمان با عظمت

(همان: ۱۳۳)

اهری تبریزی هم زادگاهش اهر را ستوده است:

خوشا خاک اهر اوضاع حالش	که در حد کمال است اعتدالش
گلش بر غنچه‌ی رضوان بخندد	به سلسل میزند پهلو زلالش
چو بگشاید کمند زلف مشکین	هزاران شیر نر گیرد عنانش
کم و بیش ار وفا و صدق جویی	بجو از مردم صاحب کمالش

(همان: ۵۶)

در شعر ارسباران، به پیروزی انقلاب، دفاع مقدس، و شخصیت‌های انقلابی توجه ویژه شده است و شاعرانی که در آن دوره زیسته‌اند، همراه با تظاهرات‌های مردمی در مسیر پیروزی انقلاب گام برداشته‌اند. همه‌ی شاعران مورد مطالعه غیر از نباتی، موسوی و اهری تبریزی در این موتیف شعر دارند، نباتی شاعر دوره‌ی بازگشت و مشروطه است و موسوی در سال ۱۳۵۴ و اهری تبریزی در سال ۱۳۵۸ از دنیا رفتند.

سامانی در شعری با تکرار ردیف «غم مخور» امام خمینی (ره) را وصف کرده است و تأکید دارد جماران هست و روح والای امام همیشه پاینده است.

روح والای خمینی پاید، ایران غم مخور	توتیای تربتش ضوء ضریران غم مخور
روزگاری فرا از بهمن پنجاه و هفت	بر مشام آید هنوز عطر جماران غم مخور
تندر عدلش چنان تابیده اندر شرق و غرب	کز جهندش لرزد ارکان سریران غم مخور

(سامانی، ۱۳۹۳: ۳۱)

دوستی در شعر «ارسباران ۲» خطاب به ارسباران، انقلاب اسلامی و رهبری را ستایش کرده است که با وجودشان نعمت و خیر نصیب ارسباران شد.

از عنایات خداوند و شمیم انقلاب	فیض حق گشته نصیبت بس فراوان آفرین
هم ز انفاس خمینی هم ز لطف رهبری	نعمت و خیر فراوان گشته احسان آفرین
سرفرازی یافتی از شوکت این انقلاب	آفرین بر رحمت و این لطف یزدان آفرین
شکر و صدها مرتبه شکر، ای خداوند کریم	شد ارسباران به الطاف تو شایان، آفرین

(دوستی، ۱۴۰۰: ۱۳۲)

دفاع مقدس و وصف شهدا هم بخشی از اشعار آنهاست که در دوران جنگ سروده‌اند و این اشعار اغلب ترکی است. شعر بارز در این مضمون برجسته است. فرزندان وی در دوران دفاع مقدس، در جنگ بودند. خودش بدلیل پیروی

امکان رفتن به جبهه نداشت، اما در اشعارش از تمنای رفتن به جنگ سخن گفته است. این اشعار همگی به زبان ترکی هستند. نمونه ابیات زیر است:

منه ائل حقینه بیر سلاح وثرین/ قویون منده گندیم بوگون میدانا/ وطن سرحدینده اولنلر کیمی/ ائلیمین یولوندا  
بویانیم قانا (دوستی، ۱۳۹۷: ۱۲۰)

ترجمه: به من سلاحی بدهید/ اجازه بدهید به میدان بروم/ مثل کسانی که در راه وطن کشته شدند/ برای وطنم،  
ایلم من نیز خونین شوم (شهید شوم).

سامانی هم به وصف شهدا پرداخته است. در شعر «شهید» شهدای دفاع مقدس را به معشوقی مانند کرده که شوق  
جان دادن دارند و بیتاب شهادت هستند.

شهید اسماء صدر است و شمیم شاهدان دارد	همی ماند به معشوقی که شوق نقد جان دارد
همیشه زنده در اذهان، مسمای رب و یزدان	لقای ایزد منان، سرای جاودان دارد
...شهادت را بسی بی‌تاب، به جنت لاله را میراب	کند با خون خود سیراب ز سرخی ارمان دارد

(همان: ۴۲)

همچنین غزل «شهیدان گمنام» را در وصف این شهدا سروده است (همان: ۴۴).

ستایش بسیج، موتیف دیگر شعر انقلابی شاعران است. حسین دوستی، شعری به نام «راه بسیج» در وصف بسیجیان  
به مناسبت برگزاری مراسم رژه بسیجیان سروده و در چند بیت این شعر، مبارزه آنها از دوران جنگ تا انتفاضه را  
توصیف کرده است.

صحنه‌های جنگ را الگوی غیرت بوده‌اند	انتفاضه، مظهری از صحت راه بسیج
دیده بیدار عشق و آیه‌های مصحفند	جلوه‌ای از عرش رحمان است درگاه بسیج
صحن معراج است و میقات و صفای عاشقان	حج هر روز است ما را هر سحرگاه بسیج

(دوستی، ۱۴۰۰: ۹۵)

همچنین شعر «بسیج شگفتی‌آفرین قرن» (همان: ۹۷) و شعر «پاران حق» (همان: ۱۰۰) از او در وصف بسیجیان  
است.

شاعران این منطقه در بخشی نیز همسو با اهداف انقلاب اسلامی، به نقد و نکوهش شخصیت‌های مخالف انقلاب و  
حکومت جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. امام‌ویردی سامانی در شعری با عنوان «اوباما» رئیس‌جمهور وقت آمریکا را  
نکوهش کرده که گرد ایران نگردد و به صلح رفتار کند. سه بیت غزل چنین است:

چه بهتر گرد خویشانت بگردی	بپا گر قصد ایرانی اوباما
که ایران مهد شیران است و پیلان	گذاری پا، نه پا گیری نه گاما
دو پایت بر گلیم اندازه بنما	نکن کاری که گرید بر تو ماما

(سامانی، ۱۳۹۳: ۵۱)

### موتیف و مضامین اجتماعی

موتیف اجتماعی در نقد حکومت، مردم، و جامعه در شعر موسوی و اهری تبریزی شاخصه سبکی دارد که هر دو  
از شاعران قبل از انقلاب اسلامی بودند. بعد از انقلاب این مضمون در شعر ارسباران فراوانی ندارد. موسوی که در  
دوران پهلوی علیه آنها فعالیت میکرد و توسط ساواک شکنجه شد، جامعه ایران را با نماد باغی وصف کرده است  
که در اختناق و استبداد فرورفته است:

پژمرد شاخه‌های امیدم به باغ دل  
 باد خزان وزید به گلزار هستی‌ام

خاموش گشت شمع امید و چراغ دل  
 کسی را نداشتم که بگیرد سراغ دل

بسی سعی‌ها نمودم و کوشش ولی دریغ  
 از عقل خویش چاره و درمان اثر نداشت

بحر غم مرا نبود کناری و ساحلی  
 هم دسترس نبود به یاری و عاملی

خرم گلی که دامن پرهیز تر نکرد  
 بدبخت آنکه چون پسر بیشعور نوح

همصحبت و جلیس نشد با خس و گیاه  
 با ناکسان نشست و بکرد عمر خود تباه

گفتا علاج واقعه قبل از وقوع کن  
 بسیار گفت با من از این پند باغبان

بعد از وقوع چاره و درمان اثر نکرد  
 اما چه سود بر دل سنگم اثر نکرد  
 (موسوی، ۱۳۶۵: ۱۵)

سالک اهری شاعر شاخص این مضمون است که در نقدهای اجتماعی فقر، ظلم و ستم، و نابسامانی جامعه را مورد تأکید قرار داده است. حدود سی درصد از اشعار وی در این موتیف است. او در ابیات زیر ایران را کشور ویران خطاب میکند، زیرا اوضاع زندگی در آن خوب نیست.

کشور ایران سراسر گشته ویران، هرج و مرج  
 نوره و حتم و سلمانی و قهوه، گوشت و نان  
 زندگانی اینچنین باشد اگر، مردن به است  
 چتر دولت بر سرت سالک کجا گیرد قرار

جنگل مولا که گویند اینچنین جنجال نیست  
 دارد آزادی کامل کز کسی دنبال نیست  
 زندگی با فقر و ذلت اصل اضمحلال نیست  
 مرغ اقبال تو ای بیچاره زرین‌بال نیست  
 (سالک اهری تبریزی، ۱۳۹۸: ۳۳)

او از همهٔ اقشار پست گلایه دارد:

سالک چه کنم ناله و افغان ننمایم  
 ناراحتی از عده‌ای پست و دله دارم  
 (همان: ۶۰)

و در ابیات زیر به کارفرمایان انتقاد میکند که ریاکار هستند و بیت‌المال را هدر میدهند:

کارفرمایان چرا خود کار کمتر میکنند  
 از برای جلب نفع شخصی خود هر زمان  
 دزدها مفسد ز سرمیزی و بی چوب و چماق  
 دعوی انی انا الله کوس فرعونى زنند

همت خود صرف جمع سیم یا زر میکنند  
 در جهان ایجاد شور و فتنه و شر میکنند  
 نفله بیت‌المال را چون مال کافر میکنند  
 تکیه چون بر مبل و میزه کوه‌پیکر میکنند  
 (همان: ۳۹)

در پایان شعر نیز گفته است بینوایان پیوسته برای رهایی از دست آنها دعا میکنند.

جدول زیر، در نگاه کلی کوتاه، موتیفهای برجستهٔ هفت شاعر مذکور را نشان میدهد:

نام شاعران	موتیفهای اصلی
ابوالقاسم نباتی	عرفانی، مذهبی، اخلاقی
مرتضی موسوی	غنائی، اجتماعی

امام‌ویردی سامانی	غنائی، عرفانی، مذهبی، وطن، انقلاب اسلامی
سالک اهری تبریزی	غنائی، مذهبی، اجتماعی، عرفانی، وطن
عباس بارز	مذهبی، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس
اسماعیل سلطانی	غنائی، عرفانی
حسین دوستی	مذهبی، وطن، انقلاب اسلامی

### نقاط قوت و ضعف شاعران

در پژوهش حاضر، توجه اصلی به بررسی موتیف و مضامین برجسته شعر ارسباران است، اما شعر این شاعران در حوزه زبان و بلاغت، اینکه با چه سطح زبانی و ادبی توانسته‌اند موتیفها را بیان نمایند دارای نقاط ضعف و قوت است. میتوان مضامین برجسته ادبیات را از گذشته تا امروز در شعرشان مرور کرد. همین نقطه قوتی است که نشان میدهد شاعر ارسباران با پشتوانه ادب کلاسیک، شعر میسراید و مطابق با تحول زمانه پیش میرود. همچنین با تأکید بر منطقه ارسباران، یک شاخصه سبکی به نام شاعران منطقه ارسباران ایجاد شده است. آنها همچنان که از عشق به وطن و منطقه ارسباران میگویند، از شعر عرفانی نیز سخن گفته‌اند. عشق در شعر آنها همان مفهوم کلاسیک را دارد و در تحول شعر معاصر، با عشق به انقلاب اسلامی، امام و شهدا پیوند یافته است. از این منظر، شعر این شاعران، شعر اندیشه است، اما از منظر دیگر توجه به شعر اندیشه، باعث شده است از مسائل زبانی و ادبی غافل شوند و همین مسئله، از جنبه ادبیت شعر، ضعف است. شعر آنها در سطح زبانی و ادبی، کم‌توان است؛ اگرچه شعری ساده، با لحنی صمیمی و بی‌تکلف میباشد، اما نوآوری زبانی در اشعارشان دیده نمیشود و شاعران به نسبت دوره زندگی‌شان مطابق سبک عمومی شعر سروده‌اند. تشخیص زبانی که بتوان شاخصه سبکی آنها نامید، فراوانی ندارد. برای نمونه از نظر زبانی، دوزبانه هستند، اما هیچکدام از واژه‌های ترکی در شعر فارسی استفاده نکرده‌اند که صاحب سبک شناخته شوند. واژه‌های ترکی بعنوان شاخصه سبکی منطقه میتوانست نقطه قوتی باشد که ویژه منطقه ارسباران گردد، اگرچه از دیگر رو، نبود این واژه‌ها، نشانه مهارت شاعران در زبان فارسی است. آنها چون به زبان ترکی نیز شعر دارند، در شعر فارسی با زبان و بیان و اندیشه شعر فارسی، شعر سروده‌اند. اما منکر نباید شد که لغزشهای زبانی و ابهامات در برخی موارد مشاهده میشود و بی‌شک شعر آنها در مقام مقایسه با شاعران برجسته کلاسیک و معاصر، قابل نقد خواهد بود. در سطح ادبی نیز با نوآوری مواجه نیستیم و شعرشان بنا به همان دلیل شعر اندیشه بودن، زیبایی‌شناسی ساده و رایجی دارد. لحن ساده و بیتکلف در مواردی به زیبایی شعرشان صدمه زده است و آنها را از تصویرسازی خلاق دور نموده است. بطور کلی، شعر منطقه ارسباران، موتیفهای اصلی شعر را دارد و در حوزه زبان و بلاغت قابل نقد میباشد.

### نتیجه‌گیری

منطقه ارسباران یکی از منطقه‌های شاعرخیز کشورمان در آذربایجان شرقی است که شاعران ترک‌زبان در آن فعالیت دارند و در پژوهش حاضر، موتیفها و مضامین شعری هفت شاعر از این منطقه بررسی شد. این بررسی با محوریت اشعار فارسی آنها انجام شد. نتایج بررسی نشان میدهد ادبیات این منطقه، در نگرش کلی، ادبیاتی دینی، عرفانی، غنائی و انقلابی است. شاعرانی دینمدار، معتقد، اخلاق‌گرا دارد که شعرشان همسو با مضامین برجسته و متداول ادبیات و تحولات شعر معاصر است. در شعر غنائی آنها، وصف عشق، معشوق، غم و اندوه، و ستایش

شخصیتها و فخریه آمده است. در موتیف دینی، شاعران به منقبت ائمه معصومین بیشتر از مضمونهای دیگر پرداخته‌اند. در منقبت ائمه، شخصیت امام علی (ع) جایگاه ویژه‌ای در شعر آنها دارد. در موتیف عرفانی، مضامین رندی، قلندری، و نقد زهد ریایی مطابق با عرفان عاشقانه فراوانی دارند. توجه به انقلاب اسلامی، آرمانهای جمهوری اسلامی، ستایش امام خمینی (ره)، وصف بسیج، شهدا، و نکوهش دشمنان انقلاب در اشعار انقلابی‌شان آمده است. مضمون اجتماعی در نقد جامعه پهلوی در شعر موسوی و اهری تبریزی آمده است. در مقایسه انواع موتیف، موتیف دین و منقبت ائمه در دیوان همه، غیر از موسوی وجود دارد که نشان می‌دهد مضمون برتر در شعر ارسباران مضامین مذهبی است. در مقایسه شاعران، موتیفهای مختلف در دیوان همگی دیده می‌شود، اما نباتی در عرفان و اخلاق، و موسوی و سلطانی در شعر غنایی شاخه سبکی دارند. در شعر انقلابی، اشعار سامانی، عباس بارز و حسین دوستی شاخصه سبکی دارد.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر استخراج شده است. سرکار خانم دکتر مریم محمدزاده راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مریم بیرامی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر رضا آقایی زاهد به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Abbaszadeh, Saeed. (1996). *Sima –ye- Arsbaran (Ahar), The Land of Believers*, Qom: Cultural Institute and Nahavandi Publications.
- Ahari Tabrizi, Salek. (2018). *a collection of poems by the Salek Ahari Tabrizi*, edited by Reza Hamraz, Tabriz: Qalan Yurd.
- Dadd, Sima. (2016). *Dictionary of Literary Terms*, Tehran: Morvarid.
- Doosti, Hossein. (1991). *literary types*, third edition, Mashhad: Astan Quds Razavi.



- Doosti, Hossein. (2013). *Aftermaths of Arsbaran Earthquake*, compiled by: Abolfazl Qasim Baglo and Hossein Doosti, Tehran: Mobatkeran, Pishrovan.
- Doosti, Hossein. (2014). *Elegy literature in Arasbaran region*, Tehran: Safir Ardahal.
- Doosti, Hossein. (2017). *a distinguished master of Iran's national poet*, Ahar: Shamisa.
- Doosti, Hossein. (2021). *The Mystery of Love (a collection of poems)*, Ahar: Shamisa.
- Mirsadeghi, Jamal. (2001). *Story Elements*, Tehran: Sokhan.
- Mousavi, Seyyed Morteza. (1984). *Sotak Poetry Collection*, Tabriz: Safa Printing House.
- Nabati, Abulqasem. (2012). *Divan Farsi Nabati*, edited and corrected by Ali Mollazadeh (Mehraban), Tabriz: Nabati Tabriz.
- Nasser, Mohammad. (2003). *The evolution of theme and meaning in contemporary poetry*, Tehran: Neshane.
- Parsansab, Mohammad. (2008). "Motif, definitions, types, functions and...", *Literary Criticism Quarterly*, No. 5, pp.7-40.
- Samani, Imam-Virdi. (2013). *Ojaghi poetry, poetry collection of contemporary poets, collection of Imam-Virdi Samani*, Tabriz: Bahardokht.
- Shafi'i-Kadkani, Mohammad Reza. (1993). "Literary Genres and Persian Poetry", *Rushd Journal of Persian Literature Education*, No. 32, pp. 4-9.
- Soltani, Ismail. (2001). *Sharh Hejran*, Tabriz: Forough Azadi.
- Taghavi, Mohammad and Dehghan, Elham. (2008). "What is a motif and how is it formed?" *Literary Criticism Quarterly*, No. 8, pp.7-31.

#### فهرست منابع فارسی

- اهری تبریزی، سالک (۱۳۹۸)، مجموعه اشعار سالک اهری تبریزی، به اهتمام رضا همراز، تبریز: قالان یورد.
- پارسانسب، محمد (۱۳۸۸)، «بنمایه، تعاریف، گونه‌ها، کارکردها و...»، فصلنامه نقد ادبی، شماره ۵: صص ۷-۴۰.
- تقوی، محمد و دهقان، الهام (۱۳۸۱)، «موتیف چیست و چگونه شکل میگیرد؟» فصلنامه نقد ادبی، شماره ۸: صص ۷-۳۱.
- داد، سیما (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- دوستی، حسین (۱۳۷۰)، انواع ادبی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- دوستی، حسین (۱۳۹۳)، پس مویه‌های زلزله ارسباران، گردآورندگان: ابوالفضل قاسم بگلو و حسین دوستی، تهران: مبتکران، پیشروان.
- دوستی، حسین (۱۳۹۴)، ادبیات مرثیه در منطقه ارسباران، تهران: سفیر اردهال.
- دوستی، حسین (۱۳۹۷)، استاد بارز شاعر ملی ایران، اهر: شمیسا.
- دوستی، حسین (۱۴۰۰)، معمای عشق (مجموعه اشعار)، اهر: شمیسا.
- سامانی، امام‌ویردی (۱۳۹۳)، شعر اوجاقی، مجموعه شعر شاعران معاصر، گردآوری امام‌ویردی سامانی، تبریز: بهار دخت.
- سلطانی، اسماعیل (۱۳۸۰)، شرح هجران، تبریز: فروغ آزادی.

شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، نشریه رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۳۲: صص ۴-۹.

عباس‌زاده، سعید (۱۳۷۵)، سیمای ارسباران (اهر)، سرزمین دین‌باوران، قم: مؤسسه فرهنگی و انتشارات نهایندی. موسوی، سید مرتضی (۱۳۶۵)، مجموعه شعر سوتک، تبریز: چاپخانه صفا. میرصادقی، جمال (۱۳۸۰)، عناصر داستان، تهران: سخن. ناصر، محمد (۱۳۸۲)، تحول موضوع و معنی در شعر معاصر، تهران: نشانه. نباتی، ابوالقاسم (۱۳۹۲)، دیوان فارسی نباتی، ویراستاری و تصحیح علی ملازاده (مهربان)، تبریز: نباتی تبریز.

#### معرفی نویسندگان

**مریم بیرامی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.  
(Email: [maryambeyrami3@gmail.com](mailto:maryambeyrami3@gmail.com))

**مریم محمدزاده:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.  
(Email: [m\\_mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir](mailto:m_mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir): نویسنده مسئول)

**رضا آقایی زاهد:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.  
(Email: [agayari87@yahoo.com](mailto:agayari87@yahoo.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Maryam Beyrami:** Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.  
(Email: [maryambeyrami3@gmail.com](mailto:maryambeyrami3@gmail.com))

**Maryam Mohammadzadeh:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.  
(Email: [m\\_mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir](mailto:m_mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir): Responsible author)

**Reza Aghayari Zahed:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.  
(Email: [agayari87@yahoo.com](mailto:agayari87@yahoo.com))